

پیامدهای عملکرد های « ارتش آزادیبخش » امریکا در عراق و منطقه

مقامات سیاسی و نظامی ایالات متحده امریکا تا کنون در رابطه با تجاوز ارتش آن کشور و متحدانش به عراق ، « استدلال » های متفاوتی ارائه داده اند . ابتدا مسئله خلع سلاح صدام حسین از سلاحهای کشتار جمعی را عنوان نمودند . سپس بر ارتباط صدام حسین و سازمان القاعده و بن لادن ، اصرار ورزیدند . و عاقبت بعنوان ناجیان مردم عراق ، با ادعای « آزاد سازی مردم عراق » تجاوز به يك کشور مستقل و عضو سازمان ملل (بر خلاف قوانین بین المللی) را آغاز نمودند. البته در طول زمان ، از آنجا که در رابطه با اتهامات امریکائیان در مورد ارتباط صدام و القاعده ، هیچ سندی ارائه نگردید ، لذا این اتهام جدی گرفته نشد و به کناری گذاشته شد . اما در مورد اتهامات دیگر ، لازم به یادآوری است که ؛ بنابر گزارشات سازمان ملل و باور اکثریت اعضاء سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن ، و دیگر مدارك تاکنون ارائه شده ، عملکرد هبئت های بازرسی سازمان ملل (بویژه در ماههای آخر) موثر بوده و در صورت تداوم میتوانست با تکیه به راه حل های صلح آمیز ، این مهم را به پایان برساند. اما ، التیماتوم دولت لامریکا به دولت عراق و سپس تجاوز نظامی ارتش امریکا و متحدینش به عراق ، این راه حل را با شکست روبرو ساخت .

اما در آن زمان نیز ، همان مقدار از نتایج کار بازرسان سازمان ملل که به اطاع افکار عمومی رسید، این بهانه امریکائیان در حمله به عراق را از دور خارج نمود . لذا پس از آن ، « استدلالات » دولت امریکا کُش و قوس های متفاوتی پیدا کرد ، و عاقبت تحت لوای « آزاد سازی مردم عراق » ، در خدمت تجاوز آشکار به کشور عراق قرار گرفت . به این معنا که عاقبت پروژه سرکوب مردم عراق و چپاول ثروتهای آنان ، در زورق عمل پیشگیرانه « ارتش آزادیبخش » امریکا ، عرضه شد .

پس از آغاز عملیات تبه کارانه «ارتش آزادیبخش امریکا » ، این ارتش ادعا میکرد که با توسل به بمبارانهای مهیب ، پیروزی در عرض ۲-۳ روز حاصل خواهد شد . اما بمبارانهای شبانه روزی شهرهای عراق ، حاصلی جز کشتار مردم بی دفاع آن کشور و خرابی بیش از پیش شهرهای عراق نداشته است .

اما، آنچه که در این روزها ، توجه افکار عمومی را بخود جلب نموده اینستکه پس از به « گِل نِشستن » نفرات ارتش امریکا در خاک عراق ، و بالا رفتن خسارات وارده به این ارتش (اعم از نفرات و تسلیحات)، روشن شد که ، آنچنان که تبلیغ میشد ، کار این جنگ ارتجاعی ، در مدت زمان

کوتاهی به پایان نخواهد رسید . بر ملا شدن تبلیغات پوچ " پیروزی سریع " آنچنان مفتضحانه بود که " رایین کوک " وزیر امور خارجه (مستعفی) تونی بلر را وادار کرد بگوید: " نظامیان انگلستان باید به کشورشان باز گردند، قبل از آنکه کشتار بیشتری را متحمل شوند ."

" رایین کوک " افشا کرد ؛ " قبل از اینکه استعفا بدهم ، به من اطمینان دادند که صدام بوسیله نزدیکانش، سرنگون خواهد شد. آنها میگفتند که این نقشه را پنج دقیقه بعد از نیمه شب عملی میکنند. " ، اما ، " صدام هنوز در بغداد بر اوضاع مسلط است " ، " ما را به این کوچه بن بست کشانیده اند." "این جنگ نه ضروری بود و نه اینکه خوب از آب در آمد." (سندی میروز ۲۰ مارس ۲۰۰۲).

لذا نیروهای تجاوزگر امریکا و متحدانش بعد از هفت روز حمله ، به عوض پیشروی ، به کندن سنگر و تحکیم مواضع دفاعی مشغول شد . بعلاوه بنابر گزارشات مخابره شده ، در این روزها سربازان امریکائی مجبورند تنها با دریافت يك بسته مواد غذایی (بعوض سه بسته در روز) سد جو نمایند . و در انتظار مواد غذایی و مهمات بیشتر ، روز شماری کنند . اکنون با توجه به تعداد قابل ملاحظه سربازان اریکائی در عراق (۱۰۰۰۰۰ نفر) ، و با توجه به انتظاراتشان (پیروزی سریع) ، و محروم بودن آنان از امکانات بهداشتی (حمام ، دستشویی ، توالت و..) ، آنان دیگر تنها در محاصره صحرای شن نیستند ، بلکه آنان ، اکنون در دریائی از محصولات نیازهای طبیعی شان نیز ، گرفتار شده اند . مضاف بر آنکه هم زمان میبایست به حملات گروههای پارتیزانی ارتش صدام نیز پاسخ دهند . لذا بی مناسبت نیست که " رایین کوک میگوید : " جورج بوش در جای گرم و نرمش در محاصره گله ای از نیروهای امنیتی نشسته است " ، " جورج بوش و رامسفیلد را به جبهه بفرستید تا بشنوند که نظامیان این کشور در عراق ، راجع به وعده های آنها در باره يك جنگ کوتاه مدت ، چه میگویند . "

اما ، بهر صورت ، رهبران سیاسی و نظامی ارتشهای تجاوز گر ، در تمام این روزها در رابطه با تشدید بمبارانهای شهرهای عراق ، کوچکترین اهمالی را به خرج نداده اند. این بمبارانهای وحشیانه آنچنان گسترده و سنگین بوده است که ، ذخائر بمبهای انبار شده در ناوگان های امریکا در خلیج فارس ، رو به نقصان نهاده است . اما اینها تنها مواردی نیستند که رهبران جنگ طلب ارتشهای اشغالگر را نگران نموده است . مقاومت " غیر منتظره " ارتش و مردم عراق در مقابل نیروهای اشغالگر نیز ، کمابیش خواب از چشم مهاجمان ربوده است . بطور مثال صدمات وارده به هلی کوپترهای غول پیکر امریکائی در حمله به لشکر مدینه عراق در ۲۰ مارس عبارت است از : ۲۶ هلی

کویتر که بعلت صدمات وارده ، برای رفع خسارات ، از دور خارج شدند ، و ۲ هلی کوپتر که سرنگون گردیدند . لذا از ۲۵ هلیکوپتر اعزامی ، تنها ۷ فروند آنها سالم بازگشتند .

ذکر تیتروار نکاتی از گزارشات « الکساندر کاکسیون » از امریکا ، بحد کافی افشاگر است و لذا نیازی به تفسیر و توضیح ندارد :

« نیروهای امریکا و انگلستان هنوز هیچ شهر مهمی را نگرفته اند و از جنگ چریکی هراسانند . »

« عملیات انتحاری بیش از پیش آنها را ترسانده است »

« امریکا و انگلیس با حمله به انبارهای مواد غذایی و بستن آب ، مردم عراق را بیزار نموده اند . »

« (۲۹ مارس) يك واحد نیروی دریائی به علت فقدان سوخت دیزل ، کاملاً متوقف شد . »

« وضع سازماندهی آشفته است . »

« ستون سوم پیاده نظام در يك طرف رود فرات به طرف بالا حرکت میکند ، در حالی که ذخائر

و مواد مورد نیاز آن از طرف دیگر . »

«عراقی ها توانستند ، نیروهای خود را در حوالی نجف گرد آورند و حمله کنند و آسیب برسانند.»

« طراحان پنتاگون در وضعیت بشدت عصبی بسر میبرند . »

« چند هفته طول میکشد ، تا قوای کمکی به مقصد برسند . »

و این همه در حالی است که فرماندهان ارتش امریکا ، تلاش میکنند که وضعیت نفس گیر این

ارتش را عادی جلوه دهند ، و مرتبا اعلام مبنمایند : « همه چیز طبق برنامه پیش میرود . » .

حال این آخرین اظهار نظر را ، در کنار تصویری که « رابرت فیسک » از شرایط امریکائیان ارائه

میدهد قرار دهید و خود نتیجه گیری کنید . « ما با يك وضعیت واقعاً فوق العاده روبرو شده ایم .

که در آن سخنگویان عراق در بغداد اعتبار بیشتری از مبلغان نظامی پیدا کرده اند . » !

و این وضعیت فوق العاده ، با بر ملا شدن اختلافات مابین « دونالد رامسفیلد » وزیر دفاع ایالات

متحدۀ امریکا و تعدادی دیگر از فرماندهان ارشد ارتش امریکا ، نگرانی های بسیاری در محافل

گوناگون امریکا را دامن زده است . به ویژه که این روزها ، با توجه به اظهار نظرهای وزراء دفاع و

امور خارجه امریکا در رابطه با ایران و سوریه و تشدید تبلیغات بر علیه این دو کشور (در حین

درگیری در جبهۀ جنگ عراق) ، مقامات امریکائی ، نوع و درایتی کم نظیر از خود نشان داده اند . !!

از دیگر نمونه های نوع و درایت دونالد رامسفیلد ، در روزهای اخیر اشاره او به انتشار عکس

و فیلم سربازان اسیر و یا کشته شده امریکائی در رسانه های همگانی بود . ایشان بعنوان معلم اخلاق

در رابط با عدم رعایت مقررات بین المللی در رابطه با اسرای جنگی ، سخن گفتند . و این در حالی

است که چند روز قبل از خود امریکائیان همین عمل زشت را در رابطه با سربازان عراقی مرتکب شده بودند . و فزون بر آن با گذشت حدود یک سال و نیم پس از به اسارت در آوردن صدها نفر از نیروهای طالبان افغانستان ، همچنان این اسرا ، با قتل و زنجیر در اسارتگاههای « کواتانامارا » تحت سرپرستی نیروهای امریکائی ، بگونه ای غیر انسانی به معرض نمایش گذارده میشوند. بدون آنکه دولت امریکا، حتی حق استخدام وکیل مدافع برای این اسرا را ، برسیست شناخته باشد !.

اما از دیگر پیامدهای ضد انسانی حمله ارتش امریکا و متحدانش به عراق اینست که ؛ صدام حسین ، دیکتاتور عراق ، بعوض نشستن در صندلی متهمین به جنایت بر علیه بشریت ، در نتیجه این تهاجم وحشیانه ، و مقاومت و مبارزه مردم آن کشور ، دارد میرود که بعنوان « ناجی خلق عرب » در قلوب ملیونها انسان سرکوب شده ، جایی برای خویش ، جاودانی نماید. امری که نه تنها به تخفیف ترور و تروریسم منجر نخواهد شد ، بلکه میتواند بعنوان محملی در جهت گسترش تروریسم به خدمت گرفته شود . و ما یک بار دیگر در جهان واقعیت ها شاهدیم که ، با توسل به سیاست ها و عملکردهای ارتجاعی ، نمی توان به اهداف دمکراتیک و مترقی ، دست یافت .

این که مقاومت عراقی ها در مقابل ارتشهای متجاوز – که اشغالگران را غرق حیرت نموده است – و یا اینکه برنامه ریزی های « داهیانة » امریکائیان در حمله به عراق ، چه سرنوشتی خواهد یافت ، امری است که آینده جهت های آنرا با روشنی بیشتری در معرض قضاوت جهانیان قرار خواهد داد . آنچه در اینجا میتوانیم آرزو کنیم اینستکه ؛ سراسیمگی ارتش امریکا در عراق ، و سیاست گذاران کاخ سفید واشنگتن (در نتیجه گرفتاری های نیروهای زمینی امریکا در رویارویی با مردم عراق و نیروهای مسلح آن کشور)، آنان به راه حل های قدیمی ، نظیر آنچه که در ویتنام نیز انجام دادند ، و آن روی آوری هر بیشتر به بمبارانهای هوایی و کشتار بیش از پیش مردم ستمدیده است ، سوق ندهد . امری که با توجه به تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ عراق ، پدیدار آورنده وضعیتی وحشتناک تر از امروز ، و یادآور کشتارهای نیروهای فاشیسم در شرق اروپا ، در جنگ بین الملل دوم خواهد بود . امری که با توجه به برپائی دادگاههای نورنبرگ و محاکمه مسببین آن فجایع انسانی ، میتواند در آینده در انتظار مسببین جنایات جنگی حوادث اخیر و بعدی نیز باشد .

اما تبه کاری های هیئت حاکمه امریکا و بی عملی جدی رقبای « دمکرات » آنان در امریکا ، تنها به موارد فوق ختم نمیگردد . این جنگ ارتجاعی در زمینه های متفاوت ، اثرات مخربی ، بر جوامع بشری و محیط زیست میگذارد. از جمله :

الف ؛ در سایه این جنگ ، جمهوری اسلامی ایران نیز از فرصت سوءاستفاده نموده و علاوه بر تشدید

اعدامها ، تجاوز به حقوق شهروندی را ، با «آسودگی» بیشتری گسترش داده است . بقول معروف آش آنچنان شور شده است که نماینده مجلس از تبریز نیز ، به سروصدا افتاده است. بعلاوه توجه به آخرین گزارش ماهانه کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - سوئد که در آستانه آغاز سال نو(۱۳۸۲) منتشر شده است ، با وجود تاکید آنان باینکه این گزارش « بخش بسیار کوچکی از موارد نقض حقوق بشر در ایران است » ، يك بار دیگر ما را متوجه گسترش سرکوب در ایران خواهید نمود. سرکوبی که گستردگی خفقان در رابطه با آزادی بیان ، تجمعات ، اعتصابات و تظاهرات و یا حقوق ملل ساکن ایران ، زنان ، معلمان ، دانش آموزان و دانشجویان و کارگران و.. را در چندین هفته گذشته ، بر ملا نموده است.

ب : در خود امریکا نیز ، از چند هفته قبل ، پلیس فدرال امریکا از کتابفروشی ها خواسته است که نام کتب و محتوای آنها ، و اسامی خریداران این کتب را ، به اف بی آی گزارش نمایند. امری که با شدت یافتن تحدید حقوق شهروندی در امریکا، یاد آور دوران معروف به مک کارتی در سالهای ۵۰ و ۶۰ میلادی در آن کشور است . دوره ای که سرکوب حق بیان ، قلم و اندیشه در امریکا بحدی گسترش یافت ، که به دوران ننگین تفتیش عقاید در امریکا شهرت یافت .

ج : تشدید سرکوب مردم فلسطین بتوسط دولت اسرائیل در هفته های گذشته را نیز میتوان از پیامدهای تلاش ایالات متحده امریکا ، در برتری جوئی بلامنازع آن کشور بر جهان دانست ، که با حمله به عراق فاز جدیدی شده است .

در سایه اخبار مربوط به جنگ عراق ، اخبار تجاوزات دولت اسرائیل به حقوق مردم فلسطین در سایه قرار گرفته است . واقعیت اینست که پس از آغاز جنگ عراق ، سرکوب مردم فلسطین نه تنها تخفیف نیافته است ، بلکه در زمینه های گستاخانه تر نیز شده است. قتل یکی از حامیان مردم فلسطین (دختر ۲۲ امریکائی) در منطقه « حکومت فلسطینی » بدست سربازان اسرائیلی ، یکی از این موارد است . علاوه بر این ، هر روزه چند و یا چندین فلسطینی نیز در یورش های ارتش اسرائیل بقتل میرسند . خیابانها و میادین شهرهای فلسطینی همچنان جولانگاه زرهپوش ها و تانک های اسرائیلی است . بعلاوه در ماههای اخیر در سایه تهدیدات و تهاجم امریکا به عراق ، تصاحب زمینهای فلسطینی ها و خانه سازی در مناطق فلسطینی بتوسط بنیان گرایان صهیونیست ، تشدید شده است . به گونه ای که اکنون تعداد این بنیادگرایان ، که در خاک فلسطینی خانه سازی نموده اند ، از مرز ۴۰۰۰۰۰ نفر گذشته است .

د - علاوه بر موارد فوق الذکر ، بنابر گزارش « سازمان عفو بین الملل » با آغاز تجاوز امریکا به

حقوق مردم عراق ، نقض حقوق بشر در زمینه های ذیل نیز شدت یافته است :

۱- ایجاد محدودیت برای برگزاری اعتراضات ضد جنگ . ۲- حمله پلیس به تجمع مخالفان جنگ .

۲- تشدید محدودیت در رابطه با پناهندگان و حق پناهندگی .

در محدود کردن حق راهپیمایی ها و تجمعات ضد جنگ (بویژه در امریکا ، انگلیس و بلژیک) ، به قوانین ضد تروریست توسل جسته میشود . شدت عمل پلیس ، بنا بر گزارش عفو بین الملل ، در کشورهای نظیر سودان، مصر، ترکیه و یونان بحدی بوده است که منجر به زخمی شدن و کشته شدن تعدادی گردیده است . در رابطه با تعدی به پناهندگان و حق پناهندگی ، حقوق پناهجویان عراقی ، بیش از دیگر پناهجویان مورد تجاوز قرار گرفته است .

ه - خسارت های وارده به محیط زیست نیز ، از دیگر پیامدهای جنگ عراق است . در اثر بمبارانها، انفجارات شدید و آتش گرفتن مواد سوختی در ابعاد گسترده و آتش گرفتن چاهها و تاسیسات نفتی و شیمیائی ، به محیط زیست خساراتی جدی وارد میشود . از جمله آنکه همواره این خطر وجود دارد که میزان گازهای مختلف از جمله اکسیدهای ازت ، گوگرد ، مونو اکسید کربن ، دی اکسید کربن و غیره ، بیش از حد مجاز پراکنده گردند . در چنین صورتی در اثر بارندگی ، این گازها همراه باران به زمین برمیگردند و موجب آلودگی آب و خاک میشوند . در چنین وضعیتی پوشش های گیاهی نیز صدمه میبینند .

بعلاوه ذخائر آبیان و آب های داخلی و تالاب ها در اثر ریزش باران آلوده به این گازها صدمه میبینند . این صدمات از جمله باعث مرگ و میر احتمالی ماهی ها در رودخانه ها نیز میشوند. از صدمات دیگر ، توقف رشد طبیعی گیاهان و کاهش کارائی فتوسنتز در آنهاست ، که افزایش زخم بر روی برگ گیاهان را بدنبال دارد .

صدمات محیط زیستی حاصل از بمبارانها و گازهای مورد اشاره ، بروی زندگی پرندگان در منطقه نیز تاثیرات نامطلوب دارد . اما خسارات تنها به موارد فوق ختم نمیشود . از آنجا که سمومات مربوطه به آبهای منطقه نیز وارد میشود ، لذا با توجه به فصل تخم ریزی ماهی ها ، سمومات وارده موجب ضعیف و بیمار شدن ماهی ها و ذخائر آبری در منطقه نیز میشود .

از آنجا که از نارنجک های آلود به « اورنیوم کثیف » نیز در جنگ استفاده میشود (همانگونه که در حمله سال ۱۹۹۱ به عراق، مورد استفاده قرار گرفت) لذا به لیست ضایعات وارده در اثر جنگ ، میبایست گسترش فوق العاده بیماری های سرطانی و دیگر بیماری هائی که باعث زاد و ولدهای ناقص و مرگ و میر گسترده اطفال ، بعد از پایان جنگ میشود را نیز ، اضافه کرد .

ی - البته روشن است که تهیه لیست کاملی از پیامدهای فاجعه بار جنگ ، از حوصله این مقاله خارج است . و لذا از وارد شدن به مقولاتی نظیر تاثیرات مخرب روانی جنگ بر انسان ، آوارگی و یا پاره شدن رشته های ارتباطات خانواده ها ، از دست دادن سر پناه ، شیوع غیر قابل کنترل بیماری های مسری و کشنده ، و... خودداری شده است .

اما همین اشارات ناقص به پیامدهای جنگ تجاوزکارانه و غیر ضروری و تحمیلی امریکا بر مردم عراق و جهان نیز، کافی است که بیاد آورد، که مقوله « جنگ کلینیکی » مورد ادعای حامیان سرمایه ، تنها يك دروغ بزرگ است .

در حقیقت جنگ کثیف امپریالیستی ، که با پافشاری دولت امریکا در ۲۰ ماه مارس ۲۰۰۲ آغاز گردیده است ، (به شهادت اطلاعات ، اخبار ، و بر ملا شدن پروژه اصلی جرائی جنگ پیشگیرانه جورج بوش)، در خدمت حفظ ، گسترش و تثبیت رهبری بلامنازع امپریالیسم امریکا بر جهان است . جهانی که در آن نه آزادی، استقلال و رفاه عمومی جوامع انسانی هدف است ، بلکه بردگی انسان در خدمت ارضاء امیال غیر انسانی سرمایه و سرمایه داران ، مد نظر است .

یکم آوریل سال ۲۰۰۲ - استکهلم

احمد نوین